رواب ط نف س الا مر ی ب ین حا م ل ارز ش و غ رض، پ ش توا نه ا عت بار حک ی ما نه

شاگرد۴: شما این قدم را پذیرفته‌اید؟ اینجا که می‌فرمایی مستقل است، یک ابهامی دارد.

استاد: نه، حالا اینکه قصد آن به چه صورت است، مانده است.

شاگرد۴: قصد منظورم نیست. نسبت به این مطلب که فرمودید در فضای حقوق می‌توانیم طبایع را به‌صورت مستقل تصور کنیم، است. اینها یک مسائلی است که عقلاء برای پیشبرد اغراض خودشان اعتبار کرده‌اند. چرا بانک را اعتبار کرده‌اند؟ دیده‌اند اغراضشان به‌صورت ملکیت مباشری نمی‌توانند برآورده شود، لذا آن را اعتبار کرده‌اند. یعنی همه اینها در راستای اغراض است. مقصود شما از مستقل بودن ملکیت برای هوش مصنوعی چیست؟

استاد: در اعتباریات سؤال خوبی بود. اعتبار، اعتباری و بید المعتبر است. این خیلی روشن است. هرگز مقصود از این بحث‌هایی که برای اعتباریات کردیم، این نیست که باز بودن دست معتبر را ببندیم. هر کسی این را می‌فهمد. می‌تواند هر چیزی را اعتبار کند و اعتبار، باز است. اما سؤال مهم این بود: همین اعتباری که این قدر باز است و به دست افراد است و رها است، به اعتبار حکیمانه و غیر حکیمانه -سفهی و بی‌عقلی- تقسیم می‌شود یا نمی‌شود؟ خب اگر می‌شود، پس معلوم می‌شود برای اعتبار، یک پشتوانه‌ای داریم. اصل الاعتبار به دست ما است، حکیمانه بودنش که به دست من نیست. من باید اعتبار را طبق یک ضوابطی انجام دهم که اگر تابع آن ضوابط اعتبار کردم، می‌گویی‌م «اعتبرت َحکیما ً» و اگر طبق آن‌ها نباشد، می‌گویی‌م نه. پس عقلاء همه کاره نیستند. وقتی ما به طبایع حقوقی نزدیک می‌شویم، طبایع طوری هستند که حکمت را نقش می‌دهند. یعنی می‌گویی اگر بین طبایع به این صورت ارتباط برقرار بشود، این ارتباط و جه‌تدهی، حکیمانه است.

شاگرد۴: شما دارید پشتوانه‌ها را می‌فرمایی ولی عرض من این است که پارادایم بحث ممکن است متفاوت باشد تا اینکه به این‌ب رسیم که بپرسیم هوش مصنوعی می‌تواند انجام بدهد یا نه. اگر گفتیم اصل ملکیت برای هوش مصنوعی، اعتباری شد -همانطوری که در اشخاص اعتباری می‌گویی‌م- اینکه می‌تواند انشاء کند یا نه، خودش از چیزهایی است که باید در اعتبار بیایی که مثل ًیک قیّمی مثل بانک برای آن قرار می‌دهم که از جانب او کار انجام بدهد یا اینکه خودش وقتی صلاحیت داشته باشد در فضای عقلاء بگویند من قصدش را معتبر می‌دانم.

استاد: خب قصد دارد یا نه؟

شاگرد۴: یعنی از کجا بدانیم همان حد پایه‌محور معتبر هست یا نه؟ این را هم باید معتبر اعتبار کند.

شاگرد۳: هفته قبل راجع به قصد توضیحی دادی که آیا در هوش مصنوعی قصد تصویر دارد یا نه. این هفته سؤال مطرح فرمودی که انسان بودن مدخلیت دارد یا نه؟ در جواب فرمودی لازم نیست حتماً صاحب ملکیت، انسان باشد، بلکه چیز عامی که انسان یکی مصداقش است، در فضای حقوق مالک باشد. به جای اینکه پیگیری کنید که این امر عام چیست، دوباره به قصد برگشتید. بعد دوباره سراغ قصد انشاء رفتید. آیا تعمداً این سیر را در پیش گرفته‌اید؟

استاد: آنچه که مقصود الآن من است، این است: اگر نظامی است که روابط حقوقی حکیمانه دارد، یعنی وقتی حاملهای ارزش می‌توانند یک غرضی که برای شما نیست را بیاورند، جدتهی این حاملهای ارزش به‌سوی تحصیل غرض، به دست شما نیست و به دستگاه الهی مربوط است. یعنی اینجور نیست که بگویی من اعتبار می‌کنم که این، آن را بیاورد؛ اصلاً این جور نیست. تحصیل اغراض به دست شما نیست، ولی اعتبار کردن به دست شما است و کاری ندارد. ولذا اگر اعتباری کنید که به آن غرض نرسد، اعتبار سفیهانه که هیچ، حتی می‌تواند ظالمانه باشد. یعنی شما از مسیرهایی می‌روید که با انواع بحثهایی که در اعتباریات شد، اثرات گوناگون دارند. این مقصود من است. الآن اگر در این دستگاه یک جور استقلال برای هویات و طبایع اعتباری دیدیم، اینجا شما می‌گویید اعتبار کنند؟! درحالی‌که ما باید به چیزی برسیم که آن مقصودی که در تحصیل غرض حکیمانه نهفته است، در اینجا باشد.

شاگرد۴: استقلال را تبیین می‌کنید؟ برای ذهن من روشن نیست که استقلال به چه معناست؛ یعنی اگر ملک، یک اعتباری شد، استقلال در فضای حقوقی به چه معنا است. اعتبار هم چیزی است که عقلاء برای استیفاء اغراض خودشان انجام می‌دهند. اگر مقصود این است که انسان نمی‌تواند مباشراتاً باشد، اشکالی ندارد. اما داری می‌فرمایی که اینطور هست، به جهت اینکه اغراض انسانها را استیفاء می‌کند...

شاگرد۵: همان بحثی است که قبلاً داشتید؛ بحث روابط نفس الامری بین امور اعتباری است. اگر روابط نفس الامری بین امور اعتباری باشد، مستقل از انسان است.

استاد: روابط نفس الامری بین حاملهای ارزش و اغراض است، نه بین امور اعتباری.

شاگرد۵: مفاهیم اعتباری منظورم است.

استاد: مفاهیم اعتباری که رابطه تکوینی و نفس الامری ندارند.

شاگرد۵: لازمه این مفهوم، آن است.

استاد: این لازمه نفس الامری نیست. لذا گفته‌اند اعتبار، بید المعتبر است. ما یک مفهوم اعتباری را سامان‌دهی می‌کنیم و آن حامل ارزشی که خودش خزینه بود و خام بود و در موطن و معدن خودش ساکن بود را از اینجا روان می‌کنیم و سایلش می‌کنیم به سوی تحصیل غرض. اینها مفاهیم اعتباری هستند.

شاگرد۵: عرض من در مفاهیم حقوقی وضعی است، نه در جایی که تکلیفی است. در مفاهیم وضعی یعنی همان چیزی است که می‌فرمودی ما آن را ایجاد می‌کنیم یا پراچهاش را می‌اندازیم.

استاد: پراچه انداختن برای فرضها بود، نه برای مفاهیم اعتباری. تفاوت دارند. اینکه ما تیر می‌زنیم و پرده را می‌اندازیم، برای فروض و سیستمهای محض بود؛ مثل ریاضیات محض که امروزه دارند. می‌گفتیم هر سیستم محضی را که مثلاً یک ریاضیدانی ارائه می‌دهد و تا آخر کار به‌عنوان سازگار سر می‌رساند، آیا او واقعاً دارد یک فرضی می‌گیرد؟ یا نه، بالدقه دارد یک نظمی را کشف می‌کند؟ این برای آنجا بود.

شاگرد۵: برای خلق طبیعت اعتباری همین را فرمودید.

استاد: بله، ولی اگر یادتان باشد، گفتم دو داریه تو در تو است. داریه داخلی که مقوله است، مقوله اصلی است. ما با اعتبار عقلائی، داریه را بزرگتر می‌کنیم. جایی که ما بزرگتر می‌کنیم هم داریم پرده برمی‌داریم؟! اگر اینجور باشد که اعتباری دیگر اعتباری نیست. ولذا انواع دارد و شما می‌توانید جور و واجور اعتبار کنید. من آنجا را عرض نکردم.

شاگرد۴: همینجا که با فرض ملکیت هوش مصنوعی، عقلا برای راه افتادن اغراض خودشان این کار را انجام می‌دهند، مقصود از استقلال چیست؟

استاد: یادتان هست که برای اصالت فرد و جامعه عرض کردم؟ آنجا عرض کردم کسانی که قائل به اصالت جامعه شدند با یک چیزهای بسیار لطیف نفس الامری مواجه شدند که اصلاً محل ظهورش و پایه ظهورش اجتماع است. تا اجتماع ندانشته باشیم، اصلاً آنها را نداریم. قابل کاستن به افراد جامعه نیست. نظیر همین در حقوق هست. یعنی عقلا وقتی می‌خواهند اعتبار حکیمانه کنند، دیگر به دست خودشان نیست. بنابرایی ولو صورت این مفهوم را دارند اعتبار می‌کنند، اما آنها دارند از یک پشتوانه نفس الامری که به آن علم پیدا می‌کنند، جعتدهی می‌کنند. لذا این مفاهیم خودش اعتباری است، اما آن جعتی که می‌خواهد حکیمانه باشد، به دست او نیست و این یک عنصری مستقل است که جعتدهی و اعتبار ما را سامان می‌دهد.

شاگرد۴: جعتدهیای که پشتوانه است و واقعی است بین قیَم و غایات است. الآن فرض این است که اینکه انسانها مفهوم ملک را می‌آورند، غایتشان راه افتادن اغراض خودشان است. قیَمشان هم یک رابطه واقعی با این فضا دارد. عرض می‌کنم در این فضای قیم و غایات، هر چیزی را که اعتبار می‌کنند، دیگر نمی‌توانیم ملکیت یک عنصری است که ولو بالمآل از انسان مستقل می‌شود، روی یک طبیعت دیگری هم بیاید، بلکه وقتی در این فضا آمد دیگر مآلاً به انسان برمی‌گردد. لذا وقتی قصد به اعتبار عقلاء است، در هوش مصنوعی هم که گفتیم غرض را تشخیص می‌دهد و فرآیند رسیدن به آن را می‌فهمد، همین مقدار را اعتبار می‌کنیم که در معامله باشد ای نباشد؛ صرفنظر از شارع.

شاگرد۸: مگر ما بدنبال اعتبار صرف عقلائی هستیم که نخواهیم به دنبال کلام شارع برویم؟

استاد: بهترین راه برای این بحثها، برای اینکه فهم ما بالا بیاید، این است که مکتوب کنید.

شاگرد۹: مشکلی که در ادله داریم این است که آیا اطلاق، شامل مصادیق جدید می‌شود یا نه. از همین راه می‌شود این مشکل را حل کرد.

استاد: ولی نباید مشی علی العمیاء بشود. مشی علی العمیاء یعنی آدم یک لفظی را می‌شنود و بعداً مخلوط می‌شود. بلکه انسان باید طبق همان چیزی جلو برود که قبل از این بحثها در ارتکازش بوده است. وقتی هم از کلاس مباحثه بیرون رفت، ببیند ارتکازاتش دست نخورده است و فقط شکوفا شده است. این تأکید من است. کلاسی خوب است که وقتی انسان فارغ شد، ببیند از ارتکازات و مطالب عقلائی که داشت فاصله نگرفته است. فقط همانهایی که بالاجمال داشت شکوفا شده است.

بازبینی #2
ایجاد شده 27 اوت 2025 16:15:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:45:14 توسط ... .